

نگاهی به تصحیح جدید «بیان‌الادیان»

مصطفی ذاکری

است که هنوز به تصنع گرفتار نشده است و نثری روان دارد. این کتاب گران‌قدر چند بار چاپ شده است و نخست شارل شفر (Charles Shefer) مدیر مدرسه‌ی السنه‌ی شرقیه‌ی پاریس (د. ۱۹۰۲ م.) در سال ۱۸۸۳ آن را در جلد اول کتاب منتخبات فارسی (Chrestomathie persane)، از صفحه ۱۳۲ تا ۱۷۱، چاپ کرد و ترجمه‌ی فرانسه‌ی آن را نیز بدان منضم ساخت و حواشی و تعلیقاتی هم برافزود.

سپس عباس اقبال آشتیانی آن را از روی چاپ شفر آن را مجدداً چاپ کرد و حواشی و تعلیقاتی بر آن افزود. اما این چاپ حاوی اشتباهات و سهوهای فراوانی بود که سیداحمد کسروی تبریزی آنها را در سه شماره‌ی مجله‌ی پیمان که خود منتشر می‌کرد، در بهمن و اسفند ۱۳۱۳ و فروردین ۱۳۱۴، به تفصیل و با زبانی تند و گزنده برشمرد. این مقالات را یحیی ذکاء در کتاب کارند کسروی (صص ۵۲۱ - ۵۳۴) گرد آورده است که در سلسله‌ی انتشارات شرکت کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است.

اما چاپ شفر و به تبع آن چاپ عباس اقبال فاقد باب پنجم این کتاب بود و این باب که بعداً یافت شد در جلد دهم مجله‌ی فرهنگ ایران زمین (صص ۲۸۲ تا ۳۱۸) در ۱۳۴۱ شمسی به تصحیح مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه چاپ شد. بعداً هاشم رضی و محمد دبیرسیاقی و سپس محمدتقی دانش‌پژوه با همکاری قدرت‌الله پیشنماز زاده چاپ‌های دیگری از این کتاب عرضه کردند. چاپ اخیر در مجموعه‌ی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر شده است و متأسفانه اغلاط مطبعی فراوانی دارد که در بعضی موارد باعث سوءتفاهم می‌گردد.

اما چاپ جدید بیان‌الادیان که به دست آقای جعفر واعظی صورت پذیرفته، مزایای فراوانی بر چاپ‌های قبلی دارد و حاوی تصحیح اغلاط آنها به علاوه‌ی تعلیقات و توضیحات سودمند

بیان‌الادیان، تألیف محمد بن نعمت بن عبیدالله بلخی، به تحقیق و تصحیح جعفر واعظی، تهران: اقبال، ۱۳۸۹، ۴۰۰ ص، وزیری، ۱۵۰۰۰ تومان.

این کتاب از جمله‌ی قدیمی‌ترین کتب راجع به ادیان و مذاهب است که در دست است و تا آنجا که می‌دانیم دومین کتاب فارسی در این زمینه است که در ۴۸۵ هجری در بلخ نوشته شده است و نخستین کتاب فارسی، ترجمه‌ی سوادالاعظم است که اصل عربی آن تألیف ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل مشهور به حکیم سمرقندی (د. ۳۴۵ هـ.) بوده و ترجمه‌ی آن در بخارا به امر امیر خراسان نوح بن منصور در حدود سال ۳۷۰ هجری صورت گرفته و در توحید است.

بیان‌الادیان در پنج باب است. در باب اول ادیان و مذاهب متفرقه‌ای را نام می‌برد که پیش از آمدن اسلام به آفریدگار اعتقاده داشته‌اند؛ مانند عرب و عجم و فلاسفه و رومیان و قبطیان و حبشیان و عبریان و ترک‌ها و هندوها و زنگیان، و نام خدا را به زبان این اقوام ذکر کرده است. در باب دوم مذاهب پیش از اسلام را شرح داده است و منظورش از مذهب دین است نه شعبه‌ای از دین که در آن مذاهب فلاسفه و یهود و مسیحیان و زردشتیان و بت‌پرستان و هندوان و تناسخیان و صائبیان و زندیقان و قرمطیان و سوفسطائیان را شرح داده است.

در باب سوم «خبر تفرقه» را شرح داده است که بعد از این ذکر خواهد شد و در باب چهارم از مذاهب اسلام سخن رفته است که شامل مذاهب اهل سنت و شیعه و خوارج و مُجَبَّره و مُشَبَّهه و صوفیه و مُرَجَّئه است.

باب پنجم درباره‌ی کسانی است که به دروغ ادعای خدایی و پیغمبری کرده‌اند و از جماعتی که ادعای امامت و پیشوایی کرده‌اند ذکر کرده است. زبان کتاب فارسی فصیح و سلیسی



در این باب تبریک گفت.

اما «حدیث تفرقه» که در بالا ذکر شد حدیثی است منقول از حضرت رسول که با عبارات مختلفی در منابع متعدد نقل شده است و ساده‌ترین صورت آن به روایت ابوهریره از پیامبر چنین است: «اَفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلٰى اِحْدٰى وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَةً وَ اَفْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلٰى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَةً وَ تَفْتَرِقُ اُمَّتِي عَلٰى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَةً» یعنی یهودیان به ۷۱ فرقه پراکنده شدند و مسیحیان بر ۷۲ فرقه و امت من هم به ۷۳ فرقه منقسم خواهند شد. در برخی روایات اضافه کرده‌اند که از هر کدام از آنها فقط یک فرقه نجات می‌یابند و حتی برخی فرقه ناجیه را هم مشخص کرده‌اند. این حدیث را برخی از فحول علما مورد تشکیک یا رد قرار داده‌اند چنانکه ابن حزم ظاهری اندلسی (د. ۴۵۶ هـ) که از فحول علمای اهل سنت است، در کتاب الفصل فی الملل و الالهواء و النحل (ج ۳ ص ۲۹۲) این حدیث را از نظر سند صحیح نمی‌داند و امام فخر رازی (د. ۶۰۶ هـ ق) در کتاب تفسیر کبیر خود در تفسیر آیه ۹۳ سوره انبیاء می‌گوید که برخی در صحت این خبر سرکوفت زده‌اند و گفته‌اند اگر مراد از ۷۲ فرقه گروه‌های متفرق در مورد اصول ادیان باشد، تعداد آنها بدین پایه نمی‌رسد و اگر منظور تفرقه در فروع باشد بسیار بیشتر از این و چندین برابر این است و در کتاب دیگرش اعتقادات فرق المسلمین و المشرین (صص ۷۴ - ۷۵) می‌گوید:

اگر خبر حاکی از آن باشد که مسلمانان بر ۷۳ فرقه‌اند دیگر جایز نخواهد بود که از آن کمتر باشند و اگر بیش از آنها باشند زبانی ندارد و ما در این کتاب مختصر بسیاری از فرقه‌های مشهور را ذکر نکردیم که اگر می‌کردیم چند برابر اینها می‌شد و چه بسا که فقط در یک فرقه از فرقه‌های روافض - یعنی امامیه - ۷۳ فرقه بتوان یافت. برای آراء اشخاص دیگری که در صحت این حدیث تردید کرده یا آن را رد کرده‌اند، مراجعه شود به صفحات ۹۲ تا ۹۵ کتاب مانحن فیه یعنی بیان الادیان.

در حقیقت می‌توان در صحت این حدیث شک کرد زیرا که برحسب این حدیث در زمان خود پیامبر یهود ۷۱ فرقه و مسیحیان ۷۲ فرقه بوده‌اند و لابد بعد از آن نیز تفرقه ادامه یافته و بر تعداد این فرقه‌ها افزوده شده است و معلوم نیست ملاک این جدایی و تفرقه چیست؛ آیا در اصول اعتقادی است

بسیاری است که نخست به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران فراهم آمده و سپس در هیأت کتاب منتشر شده است.

تحقیقات آقای واعظی درباره نام مؤلف کتاب با مراجعه به منابع مختلف و مکان و زمان تألیف آن (یعنی سال ۴۸۵ هجری در بلخ در زمان فخرالملک فرزند نظام‌الملک طوسی از وزرای سلجوقیان) و مذهب مؤلف که نوعی تمایل به تشیع در آن دیده می‌شود ولی ظاهراً سنی روشن‌بینی بوده است که مذاهب مختلف را غالباً با نوعی تسامح می‌نگریسته است جز در مورد باطنیان که سخت بر آنها تاخته است و احتمالاً اگر هم شیعه بوده است در زمان حکومت سلاجقه که شیوه مبارزه با اسماعیلیه و تشیع را برای ترضیه خاطر خلفای عباسی در پیش گرفته بودند امکان تظاهر به تشیع برای او فراهم نبوده است. واعظی کتاب را با مقابله با چند نسخه تصحیح کرده که ظاهراً اساس کار ایشان همان نسخه‌ای است که مبنای کار شفر بوده و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و با مراجعه به آن معلوم کرده است که شفر و عباس اقبال آن نسخه را به درستی استنساخ نکرده‌اند و در موارد زیادی چاپ آنها با اصل نسخه مغایرت دارد. اما چون این نسخه فاقد باب پنجم بوده، این باب را از روی نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم تصحیح کرده و از سایر نسخه‌ها به عنوان بدل استفاده برده است. تعلیقات و حواشی و معرفی رجال و بلدان مذکور در متن هم در حواشی (پانوشتها) آمده است.

مصحح با کمال تواضع در صفحه ۵۴ اعتراف می‌کند که خود را حتی در حد شاگردان استادانی که قبلاً این کتاب را تصحیح کرده‌اند نمی‌داند ولی با صرف وقت بسیار و مراجعه به منابع متعدد و معتبر توانسته است این تصحیحات و اصلاحات را انجام دهد.

کتاب با پنج فهرست به اتمام می‌رسد: اول فهرست آیات قرآن، دوم فهرست عبارات عربی، سوم فهرست اشعار عربی و فارسی، چهارم فهرست اعلام اشخاص و پنجم فهرست منابع و مراجع که این فهرست اخیر بسیار بلندبالا و شامل تعداد کثیری کتاب و مقاله است که ۳۴ صفحه از کتاب را اشغال کرده است و این خود حاکی از زحمات طاقت‌فرسای آقای واعظی در کار تصحیح و تعلیق این کتاب است که باید به او

نبوده است بلکه یکی از میان افراد یک فرقه در مورد خاصی نظری داده است که به نام او ثبت شده است. مثلاً در کتاب فرهنگ فرق اسلامی نوشته محمدجواد مشکور، معتزله ۱۳ فرقه دانسته شده که اگر نام آنها را در همان فرهنگ پیدا کنید می‌بینید که اختلافشان غالباً فقط در یک جمله است. حال باید دید که آیا با ابراز یک جمله یک فرقه جدید به وجود می‌آید؟ اگر بقیه فرقه‌ها را هم در این فرهنگ نگاه کنید، اغلب اختلافشان در همین حد است و اگر بنا بر این باشد، هم‌اکنون در تهران بیش از چند میلیون فرقه و مذهب وجود دارد. دیگر آن که اکثر قریب به اتفاق این فرقه‌ها از بین رفته‌اند و جرقه‌ای بوده‌اند که در زمانی از آتشی برخاسته و سپس خاموش شده است.

امروزه فرقه‌های اسلامی از جهت فروع شامل پیروان فقه حنفی و شافعی و حنبلی و مالکی و اباضی و زیدی و شیعه است و از جهت اصول هم شامل شیعه امامیه و اسماعیلیه و سنی و اباضی و زیدی اند و دیگر بیش از این تجزیه نمی‌شوند و اینها به زحمت به ۱۲ فرقه می‌رسند و اختلافات دو فرقه اسماعیلی نزاری و مستعلویه هم چندان نیست که بتوان آنها را دو فرقه کاملاً جدا به حساب آورد.

اما در مورد صوفیه، نخستین بار امام فخر رازی بود که آن را فرقه نامید ولی آیا آنها یک فرقه‌اند یا ۷۲ فرقه — بر حسب طریقت و سلاسل آنها؟ و بعضی از علما بسیاری از فرق صوفیه را اصلاً مسلمان نمی‌دانند تا جزو فرق اسلامی شمرده شوند. اما علی‌رغم حقیقت فوق برخی از علمای ملل و نحل سعی کرده‌اند که تعداد فرقه‌ها را به حد ۷۳ فرقه برسانند و در این کار دچار تکلف و تعسف و اشکال شده‌اند و فکر نکرده‌اند که تا قیامت زمان زیادی باقی است و بسیار محتمل است فرقه‌های دیگری پیدا شوند که چون پیمانه ۷۳ فرقه پر شده است آنها جایی در این میانه نخواهند داشت و علی‌هذا باید قبول کرد که حدیث مذکور جعلی است و زحمات آنهايي که خواسته‌اند جدول آن را پر کنند هم نامشکور است.

یا در فروع. که همانطور که در بالا دیدیم، در اصول تعداد آنها بسیار کمتر و در فروع بسیار بیشتر است و حتی اگر مته به خشخاش بگذاریم به تعداد نفوس خلائق اعتقادات دینی وجود دارد یعنی شاید هیچ دو نفری را نتوان یافت که عقاید دینی آنها عیناً با هم منطبق باشد.

دیگر آنکه تفرقه مسلمانان را بر تفرقه یهود و نصارا افزونی داده است در حالی که در واقع چنین نشد و مسیحیت تنها دینی است از دین‌های بزرگ عالم که از ابتدا تاکنون دچار تفرقه عظیمی شده است؛ به نحوی که اختلاف عقاید و اختلاف در شرایع و فرایض دینی در میان آنان به حدی زیاد است که شاید نتوان حتی یک اصل اعتقادی ثابتی را ذکر کرد که همه آنها از قدیم تا امروز درباره آن متفق بوده باشند. حتی تثلیث که از اعتقادات اصلی و مهم آنهاست مورد قبول همه فرقه‌ها نبوده است و نظرهای بسیار متفاوتی درباره آن ابراز کرده‌اند و امروزه هم اختلاف میان آنها از زمین تا آسمان است به طوری که بعضی از آنها را شاید نتوان اصلاً مسیحی نامید. در سال ۲۰۰۶ میلادی در کنفرانس بین‌المذاهب مسیحی که در آمریکا تشکیل شد، نمایندگان بیش از سیصد فرقه مسیحی شرکت کردند که شاید وجه اشتراک آنها فقط در نام مسیحی بود و این اندازه اختلاف در هیچ دینی دیده نشده است و این اختلافات هم در اصول اعتقادی (یعنی تتولوژی) و هم در فروع آن است و هنوز هم گاه و بی‌گاه مذاهب جدیدی در مسیحیت — به‌ویژه در آمریکا — پیدا می‌شود و باب مذهب‌سازی در این دین مسدود نشده است و در همین صد سال اخیر دو مذهب عمده بر مذاهب مسیحی افزوده شد که طرفداران بسیاری دارد یکی فرقه «علم و سلامتی» که به انگلیسی به عنوان Christian Science معروف است که خانمی به نام مری بیک رادی^۱ در ۱۸۷۵ ابداع کرد و اکنون پیروان بسیار به‌ویژه در آمریکا دارد و دوم فرقه مورمون‌ها^۲ که شخصی به نام جوزف اسمیت^۳ آن را اختراع کرد. حال با این اوصاف چگونه می‌توان فرقه‌های مسلمانان را افزون‌تر از فرقه‌های مسیحی انگاشت؟

دیگر آن که اکثر فرقه‌هایی که به نام فرقه‌های اسلامی یا مذاهب مسلمانان نام می‌برند در حقیقت فرقه جداگانه‌ای

1. Mary Baker Eddy

2. Mormons

3. Joseph Smith